



خادم افراطی

لبنجدرسه

فراموش نکنیم

فرسوک شهادت
رئیس جمهوری مردمی و مهربان
آیت الله سید ابراهیم رئیسی

معرفی کتاب



شیخ الائمه



عارفان علم



اهدای اعضاء؛
جریان دوباره
زندگی



بین الحرمین
به وسعت
آسمان



اشتباه
غیرقابل
جبران

سخن سردبیر

ریحانه عنبری

کارشناسی ریاضیات و کاربردها

رسم دیدار با خانواده شهدا مراسمی ست که از سال ۱۳۷۹ توسط ۵-۶ نفر از دانشجویان دانشگاه شیراز کلید خورد و به برکت خون شهدا تا به امروز ادامه داشته و دانشجویان زیادی مشتاقانه از این مراسم باصفا و سرشار از صمیمیت و برکت، استقبال می کنند.

دیدار تبدیل شد به فرهنگی که یاد و خاطره شهدا، ایثار و از خودگذشتگی، خدمت به جامعه و قدردانی را در نسل دانشجویان دانشگاه شیراز زنده نگاه داشته است.

در همین راستا فضایی دانشجویی ایجاد شد برای تفکر و اندیشه، جریان یافتن دغدغه فرهنگی در افکار و فرصتی برای دست به قلم شدن و مکتوب کردن.

انسان آمیزه ای از عقل و احساس است. با ابزار تفکر پیش می رود و به کمال عقلانی می رسد. تفکر، زیربنای حرکت تکاملی انسان در مسیر دین و بندگی خداوند تلقی می شود.

خداوند به ارزش قلم و رسالت والای آن در قرآن کریم قسم یاد کرده و ارزش قلم نه تنها در این است که اظهار قلبی و آگاهی فردی را ماندگارتر می کند بلکه دست بردن به قلم خود به تنهایی انسان را وادار به کسب آگاهی می کند و از پرتگاه بی تفاوتی نجات می دهد و حیطة ی اثر تفکر و اندیشه را چنان گسترده می کند که گاه توانسته ملتی را نجات دهد و جامعه ای را زنده کند.

تلاش ما در «دیدار» بر این است که دانشجویان قلم تفکر و دغدغه خود را به تحریر درآورد. همچنین در هر شماره تلاش می شود گوشه ای از رشادتها، خصوصیات، مرام، رفتار و سیره ای از زندگی شهدا مکتوب گردد.



ماهنامه فرهنگی دانشجوی دیدار

سال دوازدهم، شماره ۱۷۲، اردیبهشت ماه ۱۴۰۳

مدیرمسئول | بهرخ قادری
سردبیر | ریحانه عنبری
ویراستار | ملیکا نعمت‌اللهی
صفحه آرایی | محمد قاسمی

صاحب امتیاز: مجمع یادواره شهدای دانشجویان دانشگاه شیراز
شماره مجوز: ۲۵۹/کن ش

فهرست مطالب

اشتباه غیرقابل جبران	۳
مادختریم	۴
هلیکوپترهای کاغذی	۵
بین الحرمینی به وسعت آسمان	۶
کتاب محمد مسیح کردستان	۸
اهدای عضو؛ جریان دوباره زندگی	۱۰
عارفان علم	۱۲
شیخ الاثمه	۱۴
وعده صادق	۱۶
مردم دنیا علیه اینها هستند	۱۸
مؤذنان بیدار	۲۰

جای قلم شما در دیدار خالی ست، پذیرای آثار و دست نوشته‌های گرانقدرتان هستیم.

همچنین نظرات، پیشنهادات و انتقادات شما مایه مسرت ما و ارتقاء نشریه خواهد بود.

برای ارتباط با ما کافی ست کد زیر را اسکن کنید



صص

و اما با توجه به این وضعیت، وظیفه‌ی ما چیست؟ در جلوگیری از سقط جنین، هرکدام از ما با هر مسئولیتی که داریم، می‌توانیم مؤثر واقع شویم. اگر مسئول هستیم، با رسیدگی به مشکلات مردم و تسهیل مسیر فرزندآوری و قوانین مربوط به آن، اگر فعال اجتماعی هستیم، با تبیین عوارض سقط جنین و فواید فرزندآوری، و اگر جزو مردم عادی هستیم، با مطالبه از مسئولین مربوطه پیگیری کنیم. برای مثال؛ هرکدام از ما در دوستان، نزدیکان و خویشان خود ممکن است بانوی بارداری را بشناسیم که به سقط جنین فکر کند و ما بتوانیم با صحبت یا حمایت عاطفی، او را از این عمل منصرف کنیم، یا ممکن است؛ ما از سن باروری خارج شده باشیم، اما با کمک به عروس و دامادها و فرزندانمان در نگهداری نوه‌ها، کمک حالی برای آنان باشیم.

مراقب هدیه‌های خدا باشیم. حتی اگر این هدیه غافلگیرکننده باشد، فرزند ماست و حق زندگی دارد. ما با تصمیم به سقط، نه تنها حق زندگی را از آن جنین بی‌گناه و بی‌زبان سلب می‌کنیم، بلکه به روح و جسم خودمان نیز آسیب می‌رسانیم. آدم‌ها اشتباه می‌کنند، بعضی‌ها بیشتر، بعضی‌ها کمتر. برخی اشتباهات قابل جبران‌اند؛ اشتباهاتی از جنس انتخاب رشته، شغل و همسر، اما برخی از اشتباهات قابل جبران نیستند؛ مثل خودکشی، قتل و سقط جنین و...، حواسمان به تصمیماتمان باشد.

یکی از معضلات اجتماعی که امروزه در جامعه ما رخ می‌دهد، سقط عمدی جنین است. سقط جنین یعنی فرد باردار، مستقیم یا با واسطه، به دلایل متعدد و به عمد، جنین خود را از بین می‌برد.

متأسفانه آمار روزانه‌ی سقط جنین در ایران، بین ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ جنین است. یعنی آماری فراتر از آمار مرگ و میر روزانه‌ی کرونا در ایران!

عمده‌ی مردم جامعه، بر این باورند که دلیل اصلی و پررنگ سقط جنین، مسائل اقتصادی، گرانی و تورم است؛ اما برخلاف این تصور، مسئله‌ی اصلی که موجب کشتن یک جنین بی‌گناه می‌شود، گره‌های فکری و ذهنی است. در سطح جامعه مشاهده می‌کنیم که غالباً افراد مرفه‌تر، تعداد فرزند کمتری نسبت به افراد سطح مالی متوسط یا پایین دارند.

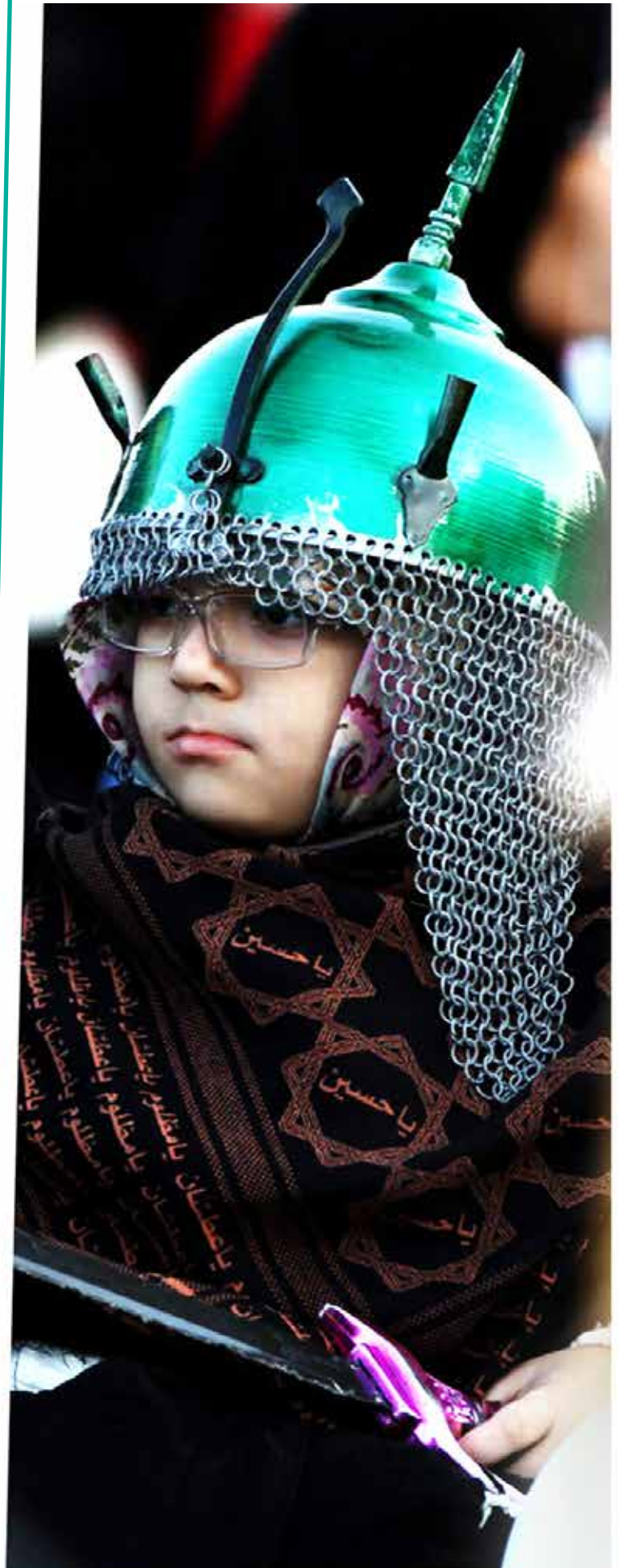
مسئله‌ی دومی که می‌توان آن را از عوامل مؤثر در سقط جنین دانست؛ عدم آگاهی نسبت به حرام بودن سقط و عوارض روحی و جسمی آن است. کشتن جنین در هر مرحله‌ای از بارداری با کشتن یک فرد زنده، هیچ تفاوتی ندارد و برخلاف تصور برخی، سقط جنین زیر ۴ ماه نیز حرام است و دیه دارد.

در اینجا خوب است بدانیم که بسیاری از سقط‌های قانونی که در کشور انجام می‌گیرد، حرام و غیرشرعی است و حتی کشتن جنین سندرم داون یا دارای مشکلات مادرزادی نیز دارای مشکل شرعی است.

از عوارض سقط جنین نیز می‌توان به نازایی و ناباروری دائمی مادر، ایجاد زخم‌ها و عفونت‌های شدید داخلی و خارجی رحم، ابتلا به افسردگی و مشکلات روحی، احتمال صدمه به اندام‌های داخلی شکم مانند روده و... اشاره کرد.

مادختريم

از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب
ایران زمین، هر کجا خسته از راه، مسیر
و دنیا می شدیم، امام زاده ای بود تا ما
را به خانه ای خود پناه دهد تا خستگی
از تن در کنیم و در سایه ای امنش
استراحت کنیم.
همه ای این ها را مديون بانویی مبارکه
هستیم که برای حمایت از ولی خود،
مدینه را به مقصد طوس ترک کرد و
این سرزمین را مبارک کرد.
در تاریخ کشور ایران، روزی به نام ما
دختران ثبت شده است؛ که رنگ و
عطر ولایتمداری دارد.
مادختران ایرانی در عین لطافت،
شجاعت را از گرد آفریدهای
تاریخمان به ارث برده ایم، حیا و
عفت را از مادرمان، حضرت زهرا
(س) و تاثیرگذاری و بزرگی را از
خواهر امام رضا، حضرت معصومه
(س)، آموخته ایم.
ما یاد گرفتیم، در تاریخی که
می خواهد از زنان کالابسازد و
تجارت کند؛ می توانیم آغازکننده ای
تحولات بزرگ باشیم.
مادختریم و این روز، روز ماست.
مادختریم؛ از همان بچگی مادری
می کنیم برای عروسک هایمان.
مادختریم، در عین ظرافت و
لطافت برای حق می جنگیم،
قلبمان همانند عمه جانمان،
حضرت زینب (س)، مرهم
زخم های عزیزانمان است.
مادختریم، همچو رودهایی جاری
و پاک که به وقتش کوه های استوار
و محکم را در هم می شکنند.
همانطور که شاعر می فرماید:
«این رود زلال و زندگی بخش
وقتش برسه خودش یه کوهه»



ملیکانعمت الهی

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی

هلیکوپترهای کاغذی



علت وقوع طوفان شن در منطقه طبس و برخورد یک هواپیمای سی ۱۳۰ و یک بالگرد سی اچ ۵۳ با یکدیگر، تعدادی کشته و ۵ بالگرد هم روی زمین باقی می ماند و بقیه نیروها با ۵ هواپیما خود را به ناو هواپیمابر نیمیتز می رسانند و عملیات به طور کامل شکست می خورد.

امام خمینی (ره) پس از این واقعه فرمودند: «نباید بیدار شوند آنهایی که به معنویات توجه ندارند و به این غیب ایمان نیاوردند، (چه کسی) این هلیکوپترهای آقای کارتر را که می خواستند به ایران بیایند، ساقط کرد؟ ما ساقط کردیم؟ شن ها ساقط کردند، شن ها مامور خدا بودند، باد مامور خداست».

شهید «محمد منتظر قائم» فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یزد، پس از این حادثه و در جریان بمباران گستاخانه بالگردهای به جامانده آمریکا به شهادت رسید. آمریکا همیشه قصد داشته تا زستی از قدرت و تسلط به خود بگیرد؛ و مجسمه ای از آزادی در اذهان بسازد، ولی برخلاف فیلم های اکشن و فانتزی که با جلوه های بصری فریب دهنده می سازد؛ در واقعیت، با اراده ی خداوند؛ هلیکوپترهای کاغذی و قدرت پوشالی شان در لحظه ای نابود شد.

غروب روز پنج شنبه ۵/۲/۱۳۵۹، دولت رئیس جمهور وقت آمریکا، «جیمی کارتر»، نقشه ای برای فراری دادن گروگان هایشان در ایران ترتیب دادند؛ عملیاتی به نام «پنجه ی عقاب».

این عملیات ناکام که با ۱۳۲ نفر از نیروهای ویژه ارتش این کشور با عنوان «دلنا فورس» برای حمله به ایران و آزادی گروگان ها تشکیل شده بود؛ پایانی تاریخی و حیرت انگیز داشت. ارزیابی و محاسباتشان در لحظه ای بر باد رفت و با شکستی سنگین عقب نشینی کردند. آیه ۵۴ سوره آل عمران؛ شرح حال درخوری برای وصف این واقعه است: «وَمَكْرًا وَمَكْرَ اللَّهِ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ»

آن ها بعد از آنکه هلیکوپتر هایشان را وارد خاک ایران، طبس، کردند؛ از ۶ هواپیما و ۸ بالگرد آمریکایی، ۳ بالگرد دچار نقص فنی شد که در نهایت؛ با کشته شدن ۸ نفر به



صدای زیبایی به گوش می‌رسد. مرا به یاد صحن و سرای آقا علی بن موسی الرضا (علیه السلام) می‌اندازد. با شنیدن این صدا، دل‌مان به سوی امام رئوف پرمی‌کشد. نزدیک غروب که می‌شود؛ خادمان حرم، رسم «نقاره زنی» را آغاز می‌کنند و بعد هم مناجات خوانی و اذانی که از مناره‌های صحن و سرای حرم گوش را می‌نوازد. در شهر راز، تدین و عبادت، شهر زیبایی‌های محض و دل‌انگیز، شیراز جنت طراز.

وقتی به دهه‌ی کرامت نزدیک می‌شویم؛ حرم مطهر آقا شاه چراغ (علیه السلام) برنامه‌های متعددی از قبیل میلاد حضرت معصومه (سلام الله علیها)، بزرگداشت حضرت شاه چراغ (علیه السلام) و میلاد امام رضا (علیه السلام) را به بهترین شکل ممکن برگزار می‌کند. در روز بزرگداشت حضرت احمد بن موسی (علیه السلام)، خادمانی با لباس خادمی لاله‌گردانی و مدح‌هایی در وصف حضرت شاه چراغ (علیه السلام) انجام می‌دهند. این روز بزرگ را با برنامه‌های زیبا و از پیش تعیین شده و هر چه باشکوه‌تر در روز ششم ذیقعد، برگزار می‌کنند و زائران و مجاوران حرم دوست، هر ساله به زیارت بارگاه ملکوتی آقا احمد بن موسی شاه چراغ (علیه السلام) مشرف می‌شوند و ادای احترام می‌کنند.

ریحانه مفتاح

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی

بین الحرمینی به وسعت آسمان



چه باران خوشه!

اذانی تازه کرده در سرم حس ترنم را
ندای رینا را، اشک در حال تبسم را

تجلی خانه برپا کرده با گلدسته‌های نور
تداعی می‌کند صحن و سرایش مشهد و قم را

مفاتیح الجنان بر لب، در و دیوارها شاعر
عوض کرده‌ست این تصویرها طرز تکلم را

دلی اندازه دریا برایش با خود آوردم
که با لبخندی آرامش دهد روح تلاطم را

هماره قدسیان بر سفره اکرام او مُنعم
خدا بخشیده برخوان کریمان این تنعم را

پدر «باب الحوائج» او خودش «شاهچراغ» اما
زیارت‌نامه می‌خواند دمادم نور هشتم را

تصور می‌کنم در طوس هستم، چشم می‌بندم
و حس می‌گیرم از شیراز این اوج تبسم را

به خود می‌آیم از اشکی که در هر بیت من جاری‌ست
چه باران خوشی! من دوست دارم این تلاوم را

شاعر: «کوه مال جهرمی»

کتاب محمد مسیح کردستان

تعصب و غیرت دینی، ایثار و شهادت و احساس وظیفه ناشی از شناخت عمیق اسلام ناب محمدی (ص) است. بزرگ‌ترین ویژگی شهید «محمد بروجردی» که در متن پیش‌رو به خوانندگان فهیم عرضه شده است، شناخت دقیق اقتضائات زمان و عمل به‌هنگام می‌باشد. ایشان با توجه به ارتباطات عمیقی که با کانون اسلام، یعنی روحانیت داشتند؛ توانسته بودند تکالیف خود را به‌درستی دریافته و بر اساس آن عمل کنند؛ اما در این عرصه نیز آن‌چه قابل تامل است؛ اقدام و عمل به‌هنگام است که نشان‌دهنده‌ی روحیه باثبات شهید «بروجردی» است و این برجستگی او را از همگنان خود ممتاز می‌سازد.

شهید «محمد بروجردی»؛ آن‌گونه که در این کتاب به تصویر کشیده شده؛ آینه‌ی تمام‌نمای انسان خود ساخته‌ای است که در تراز انسان مؤمن و انقلابی که اولیای خدا (سلام الله علیهم) همواره اشتیاق دیدار آنان را داشتند، قرار دارد.

زندگینامه‌ی داستانی شهید «محمد بروجردی»، از فرماندهان سپاه پاسداران در جنگ تحمیلی است که با حُسن برخورد و ابتکار عمل هایشان؛ توانستند کنترل منطقه کردستان را به ایران بازگردانند.

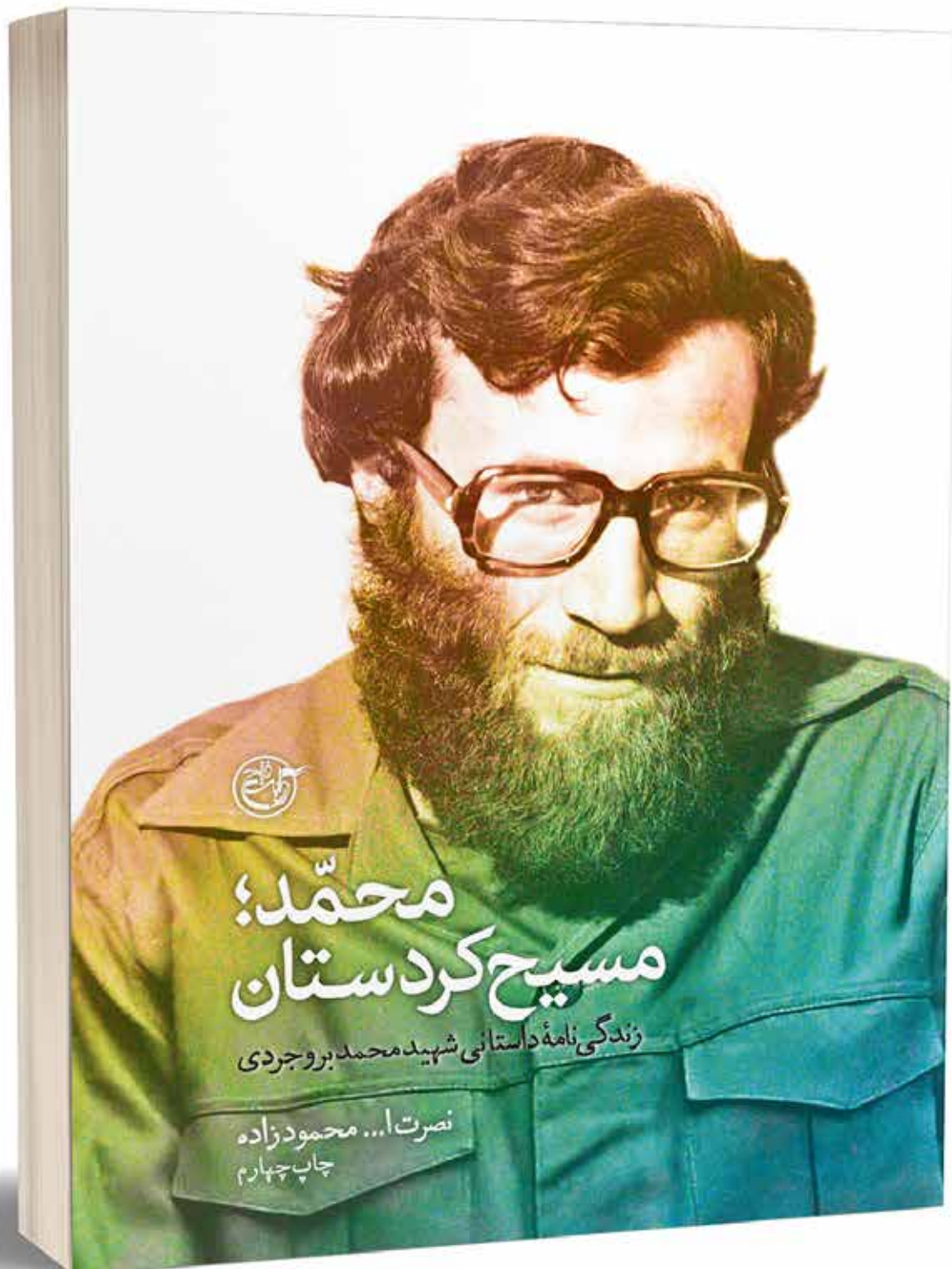
از این رو، وی را «مسیح کردستان» می‌نامند. از نقاط مثبت این کتاب این است که تنها به شهید «بروجردی» نپرداخته، بلکه در کنار ایشان، شما افراد دیگری همچون: شهدای عزیز «کاوه، صیاد شیرازی، احمد متوسلیان، ناصر کاظمی، ابراهیم همت، حسن آبناسان، شهید بهشتی و شهید مطهری» را می‌بینید؛ که هر کدام از یک بعد، این کتاب را تکمیل‌تر کرده‌اند.

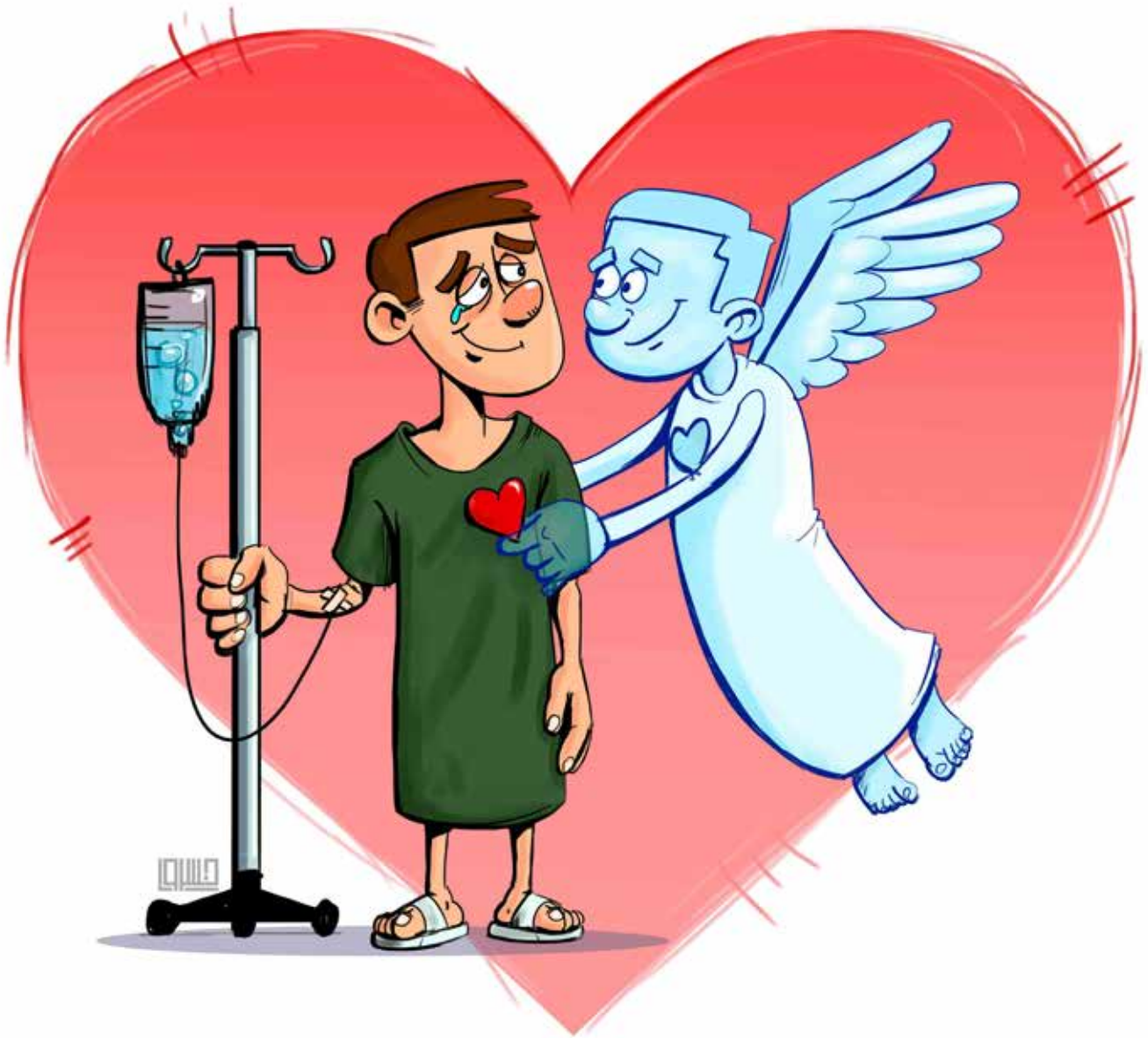
این کتاب، صرفاً داستان زندگی یک فرمانده لشکر نیست؛ داستان انسانی بزرگ است، داستان شهیدانه زیستن؛ قبل از شهید شدن است. شهید «محمد بروجردی»؛ که در این کتاب، فصل‌هایی برجسته از زندگی‌شان هنرمندانه به تصویر کشیده شده است؛ تجسم سال‌ها محرومیت و مظلومیت،

برشی از کتاب

قلب‌های پیشمرگان..»
- معلوم است خیلی از پیشمرگان را زیر شکنجه مجبور به اعتراف کرده‌ای.
- قاسملو قسم خورده اگر شما بتوانید جاده سردشت- پیرانشهر را پس بگیرید، زنش را طلاق بدهد.
- پس به قاسملو پیغام بدهید، هم ما این جاده را پس خواهیم گرفت و هم او زنش را طلاق نخواهد داد.
بی‌سیم را قطع کرد و به ناصر کاظمی، فرمانده تیپ ویژه شهدا گفت: «امشب با یک خرس تیر خورده طرفی. تا قبل از سپیده صبح، کار را تمام کنید...» کمی تأمل کرد و این‌طور ادامه داد: «لعنت به شیطان. چرا باید تحت تأثیر چرندیات این فرمانده قلدر قرار بگیرم؟ تا می‌توانید اسیر بگیرید و کمتر خون بریزید.»

ناگهان بی‌سیم چی صدایی غیر منتظره شنید: «می‌دانم بروجردی آن جاست.
می‌خواهم او را نصیحت کنم. من فرمانده دمکرات این منطقه هستم.» بروجردی گوشی را قاپید و با طمأنینه گفت: «بروجردی هستم، بفرمایید.»
- می‌شناسمت. خیلی در کردستان اسم در کردی، اما هنوز با مرد رودرو نشدی.
- بهتر است مثل دو مرد باهم حرف بزنیم.
خنده فرمانده دموکرات در گوشی پیچید و ادامه داد: «شنیده‌ام خیلی از کردها عاشق مرامت شده‌اند، اما فکر نمی‌کردم تا این حد احمق باشی.»
- اگر مایل نیستی شرافتمندانه حرف بزنی بهتر است بقیه حرف‌ها بماند برای عملیات امشب.
فرمانده با خشم جواب داد: «زبان تیزی داری؛ فرمانده





خداوند بزرگ و بی همتا نعمت‌های بی شماری را به بندگان خود عطا کرده که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، نعمت سلامتی و بدنی سالم است که اعضای آن همچون اجزای یک دستگاه، با برنامه‌ریزی دقیق و کامل در هماهنگی با یکدیگر عمل می‌کنند. بنابراین انسان وظیفه دارد تا از بدن خود به عنوان امانتی که خدا به او داده است، مراقبت کند. در این مورد احادیث بسیار زیادی از ائمه‌ی اطهار به یادگار مانده است:

امام صادق (ع):

«العافیةُ أَجْمَلُ عَطَاءٍ؛ سلامتی بهترین نعمت‌های خدادادی است؛»

(بحار، ج ۷۸، ص ۳۶۵)

امیرالمؤمنین علی (ع):

«تَوْبُ العافیةِ أَهْنُ المَلابسِ؛ لباس عافیت و سلامتی برای تن انسان

گواراترین لباس‌ها است.»

(فهرست غرر، ص ۲۵۳)

اهدای عضو؛ جریان دوباره زندگی

فاطمه مرادپور جغدری

دانشجوی ارشد علوم سیاسی

انسان نمی‌تواند در طول مدت زندگی خود، سلامتی‌اش را به طور کامل حفظ کند، همچنین خطرانی زندگی‌اش را با تهدید روبه‌رو می‌کند و حتی در برخی موارد منجر به فوت وی می‌شود. یکی از این خطرات، خطر مرگ مغزی است که بنا بر دلایلی همچون تصادف، سکتة مغزی و... اتفاق می‌افتد.

مرگ مغزی زمانی پیش می‌آید که شخصی با استفاده از دستگاه‌های حمایتی از زندگی مصنوعی برخوردار باشد و مغز او قادر به هیچ عملکرد مغزی نباشد. زندگی مصنوعی به این معنی است که افراد مبتلا، قادر نیستند هوشیاری خود را به دست آورند و حتی نمی‌توانند بدون دستگاه‌های حمایتی نفس بکشند چرا که تنفس و ضربان قلب به کمک دستگاه انجام می‌شود. متأسفانه بیماری مرگ مغزی امکان برگشت ندارد. زمانی که مغز قابلیت‌ها و عملکرد خود را از دست می‌دهد؛ به مرور زمان سایر اعضا هم از کار می‌افتند و شخص قادر به زنده ماندن نخواهد بود.

در چنین شرایطی است که پزشکان و کادر درمان صرفاً یک راه حل را به خانواده‌ی بیمار ارائه می‌دهند و آن هم «اهدای عضو» است. انتقال اعضای یک فرد به فرد دیگر برای نجات زندگی، یا بهبود کیفیت زندگی وی را «اهدای عضو» می‌گویند.

«اهدای عضو» می‌تواند از افراد زنده، (کلیه و یا اهدای قسمتی از کبد یا ریه‌ی بزرگسالان به فرزندان‌شان) یا از افراد مرگ مغزی و یا مرگ قلبی در شرایط خاص، با تجهیزات و تمهیدات ویژه، جهت نجات بیماران نیازمند به این اعضا و کسب زندگی مجدد، برای آن‌ها انجام بشود.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «اگر کسی جان یک نفر را نجات دهد مانند کسی است که جان همه انسان‌ها را نجات داده است.»

نکته‌ی مهمی که در رابطه با اهدای عضو وجود دارد؛ این است که رضایت اولیای دم به عنوان اصلی‌ترین و مهم‌ترین شرط انجام این عمل خداپسندانه در نظر گرفته می‌شود. البته این بدان معنا نیست که تصمیم‌گیری برای انجام این کار آسان است، چرا که برخی از افراد در مواجهه با چنین مسئله‌ای، واکنش‌های منفی از خود بروز می‌دهند و آن را به مثابه‌ی یکی امر غیر معمول و غیرقابل پذیرش به حساب می‌آورند که مهم‌ترین

دلیل این امر عدم باور نسبت به از دست دادن عزیزان و پی نبردن به اهمیت موضوع «اهدای عضو» (نجات چند بیمار) است.

خانم ساناز دهقانی، مسئول اداره پیوند وزارت بهداشت، در مصاحبه با خبرگزاری صداوسیما بیان کرد: «سالانه بیش از چهار هزار نفر در کشور مرگ مغزی می‌شوند که به طور میانگین حدود هزار خانواده بیمار مرگ مغزی با اهدای عضو موافقت می‌کند و سه هزار بیمار مرگ مغزی بدون استفاده به خاک سپرده می‌شود. پارسال آمار رضایت خانواده‌ها به اهدای عضو از هزار به هزار و ۱۲۱ مورد افزایش یافت و اگر این آمار به دو برابر برسد، صف انتظار پیوند صفر می‌شود.»

خانم دهقانی با بیان اینکه تعلل خانواده‌ها در رضایت به اهدای عضو می‌تواند منجر به از دست رفتن برخی اعضای حیاتی حتی بافت‌ها و نسوج قابل استفاده بیمار شود، افزود: «سرعت رضایت دهی خانواده‌ها در ساعت‌های ابتدایی پس از اعلام خبر مرگ مغزی می‌تواند منجر به استفاده از اعضای بیشتری برای پیوند شود، به همین دلیل از خانواده‌ها تقاضا می‌شود در ساعات طلایی و ابتدایی اعلام خبر مرگ مغزی، به این کار خداپسندانه رضایت دهند.»

مسئول اداره پیوند وزارت بهداشت، از همه خانواده‌های اهداکننده که با تصمیم درست و به موقع، زندگی را به نیازمندان عضو پیوندی برمی‌گردانند، قدردانی کرد.

بدین ترتیب روز ۳۱ اردیبهشت ماه، به عنوان روز «اهدای عضو» نامگذاری شده است؛ تا هر ساله در چنین روزی اهمیت این موضوع برای مردم و نقش تأثیرگذار آن در زندگی بیماران نیازمند به عضو شناخته شود.

سخن نویسنده:

«خداوند! برای روشنایی روز که در آن کار می‌کنم و برای تاریکی شب که در آرامش آن می‌آسایم؛ شکرگزارم.

خداوند! از اینکه پنجره دلم را به سوی تو باز می‌کنم و هوای مهربانی تو را نفس می‌کشم؛ شکرگزارم.

خداوند! از اینکه بهترین نعمت یعنی نعمت وجود خودت را به من دادی؛ شکرگزارم.

با عرض ادب و احترام این متن را تقدیم می‌کنم به خانواده‌هایی که از طریق موافقت با اهدای عضو عزیزان‌شان، زندگی دوباره‌ای به بیماران نیازمند می‌بخشند.

باشد که مورد قبول واقع شود؛ ان شاء الله.

عارفان علم

به نام آنکه در آغاز، زیستن را به ما آموخت و در پایان تنها اوست که می داند چگونه زیستیم. به یاد آنان که استاد تمام دانشگاه راه حق شدند. به یاد استادی که شاگردی را در حق استادش تمام کرد و تا ابد، در تاریخ سرزمینش ماندگار شد.

به یاد استاد شهید «مرتضی مطهری» همان که به احترام تلاش های بی وقفه و فداکاری های بی شمارش در راه علم؛ روز معلم و استاد در تقویم با نام او و جان فدایی اش گره خورده است. او که معلمی تمام عیار و استادی بی مثال بود.

او مبارزی به حق و رزمنده‌ی جبهه‌ی علم و دانش بود. رزمنده‌ای که یک تنه در مقابل سپاهی از جهل و نادانی ایستاد و در نهایت به دست مدعیانی که ایشان را گمراه از راه الهی می دانستند؛ در شامگاه یازدهم اردیبهشت به شهادت رسیدند. و حالا او الگوی تمام معلمان و استادانی است که می خواهند مانند او، استادی را در مکتب معبود خود به درجه‌ی اعلاء برسانند.

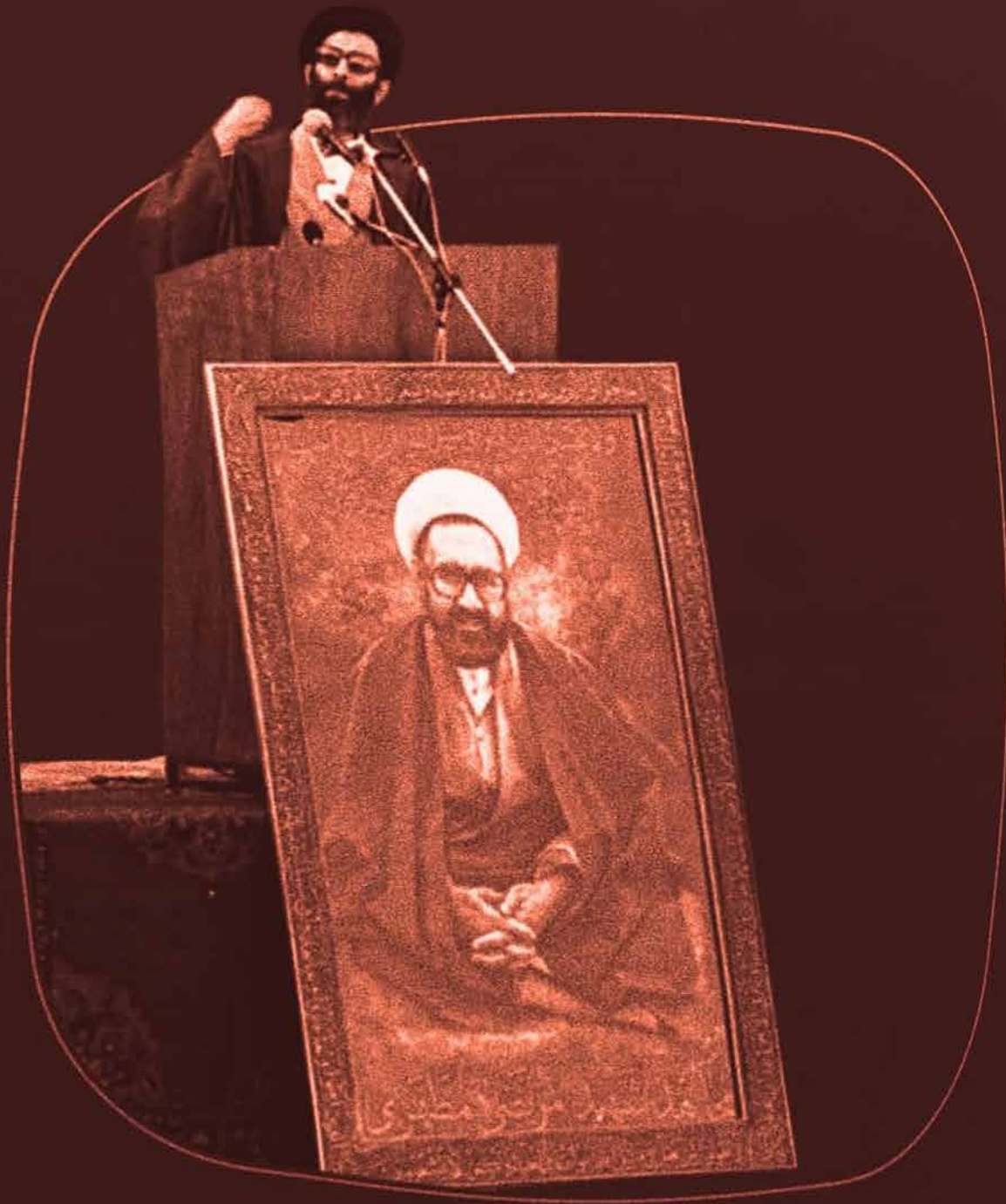
به راستی که معلمی دریای عشقی ست لامتناهی. مکتبی که در آن، فداکاری و عشق و ایثار می آموزند. مکتب معلمی، کارگاه انسان سازی است؛ جایی که تمام آرزوی یک معلم، سربلندی شاگردانش است و چه دل نشین اند! معلمانی که در کنار تمامی علوم، مانند «شهید مطهری» حق و عاشقی معبود را نیز می آموزند.

به راستی؛ چگونه می توان حق معلم را ادا کرد! و دین خود را بر آن دستان خسته، سر شانه های گچی، زانوهای خم شده، چشم های کم سو، اما قلبی آکنده از عشق و لبی پر ز خنده پرداخت؟ کسانی که با تمام غم هایی که در دل دارند؛ هنگام ورود به کلاس جز صورتی مهربان چیزی از آن ها نخواهی دید. آن ها که با غم تک تک شاگردان شان، غمگین و با شادی شان، شاد می شوند. آری! در مقام معلم چه می توان گفت و چه می توان کرد که جبران کننده‌ی خستگی دست های پر از جوهر، همان دست هایی که بعد از بازنشستگی دیگر توان گذشته را ندارند، بی دلیل نیست که می گویند: «هر که عاشق شد؛ معلم می شود.» معلمی نه تنها یک شغل بلکه عشقی بی بدیل است.

بوسه‌ی ما بر دستان معلمانی ست که درس زندگی به ما آموختند و تا ابد در لوح قلب مان ماندگار خواهند شد. در تقویم زندگی مان، نه تنها یک روز، بلکه هر روز، روز آن صبوران بی ادعاست.

مقام معظم رهبری: «تشکیل هویت نسل جدید به دست معلم است، نقشی پر رنگ تر از نقش خانواده و پدر و مادر».

دوازدهم اردیبهشت، روز معلم مبارک باد.





شیخ الائمه

به نام آنکه جانم از وجودش سرچشمه می‌گیرد، قلبم با نوایش به آرامش می‌رسد، چشمان قهوه‌ای رنگم؛ دیالوگی برای بهاری شدن می‌طلبد و وجودم، بارش ابر کرامت بر کویر غم زده‌ی خویش را خواستار است.

دلم از آن شب که صبحی سیه در پیش داشت؛ گلایه دارد و اندوهگین بر او می‌نالد. صبحی که وصله‌ی جان امام باقر (ع)، ورود به عرش خداوند را بر وجود در میان لشکر کفر و کینه برتر دانست و پرواز عاشقانه از قفس تن را اوج کمال و عزت درگاه حق تلقی نمود. ایشان غرق شدن در دریای بیکران عشق و محبت باری تعالی را کلید گشایش آشوب درونشان دانستند و خود را با جان و دل به او واگذار نمودند....

آری! می‌خواهم از آن اعلم عالمان، فاضل فاضلان، طاهر طاهران و صادق صادقان، «امام جعفر صادق» سخن بگویم. امامی که همواره مورد مدح و ستایش آدمیان بودند و هستند. آفریدگار، مالک بلند قامتی همچون سرو، با گیسوانی سیاه همچون امواج متلاطم دریا و رخی همچون خورشید درخشان را به ملک زمین گرامی داشت.

نیست کسی که با دو چشم بینای خود، عظمت و جمال ایشان را ندیده باشد و نگاهش تشنه به تماشای او نشده باشد. با قدم‌هایشان در زمین چنان بهشتی برپا نمودند که مروارید نگاه آدمیان را به حیرت وامی‌داشت. وجودشان سرشار بود از روح بزرگ خداوند.

ایشان سجاده‌ی راز و نیاز باکیمیای هستی بخش را عاشقانه‌ترین راه ارتباط میان خالق و مخلوق می‌دانستند و لحظه شمار لحظه‌های سبز نیایش‌های بهشتی بودند. خداوند این دُر گرانبدر را که سرشار از علم الهی بود به زمینیان هدیه داد. معبود هستی بخش؛ مسیر معراج، کمال و معرفت را در دل امام نهادینه کرد و شهادت را تنها نردبان نجات از عذاب وجود کافران دانست. امام نیز سفر عاشقانه‌ی همراه با سیر و سلوک در وادی عشق را با تمام وجود پذیرفت. همچو پروانه‌ای، به معراج آسمان پر گشودند.

ایشان در سال ۱۴۸ قمری، به دستور «منصور دوانقی» مسموم شدند و به شهادت رسیدند. زمین و اهل آن که تا پیش از این، از وجود سرشار از ضیاء و روشنایی ایشان غافل بودند؛ بعد از ایشان مانند دره‌ای سیاه در ظلم و تاریکی فرو رفتند. اما چه حاصل که پشیمانی دگر سودی ندارد.

صادق وعدۀ

نرجس فروهیده

کارشناسی علوم سیاسی

عملیاتِ غرورآفرین «وعدۀ صادق» از ابعاد سیاسی، دفاعی، ژئوپلیتیکی، تکنولوژیکی و حتی اقتصادی حائز اهمیت فراوان است که در کنار نکات و دستاوردهای مهمی که در متن این عملیات وجود دارد، نکات مهمی نیز در فرامتن آن وجود دارد. پاسخ نظامی مستقیم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به تجاوزات اخیر رژیم صهیونیستی که به فروپاشی دستاوردهای محدود طرح عبری-غربی «عادی سازی روابط با اسرائیل» و انزوای بی سابقه سیاسی و اجتماعی رژیم صهیونیستی در عرصه بین الملل و نفرت افکار عمومی جهانی درباره این رژیم انجامید؛ زمینه ساز پیروزی نهایی جبهه مقاومت خواهد بود.



هرچند رژیم صهیونیستی هنوز هم معادله جدید امنیتی را به صورت کامل نپذیرفته است، اما جبهه غربی و به ویژه ایالات متحده در موضع‌گیری‌های اخیر خود به وضوح شکست در جنگ غزه و از بین رفتن قدرت بازدارندگی اسرائیل را پذیرفته است.

مورد بعد وجه بازخورد اقتصادی عملیات وعده صادق بود. امنیت به منزله زیربنای رشد و توسعه اقتصادی، ماحصل عقلانیت در بسیاری از جنبه‌های حاکمیت، به ویژه پیوند دیپلماسی و میدان است.

نه برجام و دیپلماسی بدون عقبه قدرت نظامی به تنهایی می‌تواند امنیت افزا باشد و نه دیپلماسی بدون قدرت میدان می‌تواند حرف حاکمیت را در میز مذاکره بر روی کرسی بنشانند. این هم‌افزایی قدرت میدان و قدرت سیاست خارجی است که با ایجاد آرامش، پیرامون محیط امنیت ملی زیربنای توسعه را فراهم می‌کند.

نکته مهم این است که اگر قدرت میدان و دیپلماسی و هم‌افزایی آن‌ها در جهت ارتقای سطح بازدارندگی به گونه‌ای باشد که سایه جنگ را دور کند، تحولات، آشوب‌ها و ناامنی‌های داخلی نیز به راحتی نمی‌تواند زمینه‌ساز دفع یا فرار سرمایه شود.

اکنون اگرچه شاهد تلاطم‌های بازارهای مالی در کوتاه‌مدت هستیم؛ ولی تردید نکنیم که در صورت حفظ بازدارندگی، بازارها و اقتصاد پیام لازم را دریافت می‌کنند و در

بلند مدت به اقتدار تولید شده از عملیات «وعده صادق» واکنش مثبت نشان خواهند داد و مسیر رسیدن به توسعه هموارتر خواهد شد. از آن طرف رژیم صهیونیستی با از دست دادن اقتدار و بازدارندگی، جذابیت خود را برای سرمایه‌گذاری از دست خواهد داد و اقتصاد آن آسیب پذیر خواهد شد.

در آخر، «ظهور قدرت اراده ملت» عنوانی ست که رهبر انقلاب در خصوص این واقعه نامیدند و سخنانشان می‌تواند؛ رساترین تعبیری باشد که بتواند ابعاد، دستاوردها و آثار و نتایج تاکتیکی و راهبردی عملیات «وعده صادق» را در پاسخ قاطع به حمله رژیم صهیونیستی به کنسولگری ایران در دمشق در منظر و مرآی مردم ایران، منطقه و جهان نشان دهد.

اگرچه نبردهای پنهان زیادی میان جمهوری اسلامی ایران با رژیم صهیونیستی به وقوع پیوسته، اما عملیات «وعده صادق»، اولین هم‌اورد مستقیم میان جمهوری اسلامی و رژیم صهیونیستی، مؤید به پشتیبانی‌های همه‌جانبه قدرت‌های غربی در طول تاریخ عمر منحوس این رژیم بوده و مهم‌تر از آن، اینکه برای اولین بار، ایران از خاک خودش با نمایش قدرت و اقتدار علیه این رژیم اقدام کرد. این پدیده‌ی بسیار مهمی است که دومین شکست ترمیم‌ناپذیر برای رژیم صهیونیستی پس از عملیات «طوفان الاقصی» را تنها در نیم سال رقم زده است.



مردم دنیا علیه اینها هستند

بیانات رهبر انقلاب در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی

«همه باید به وظایف شان عمل کنند؛ اما دولت‌ها انصافاً به وظایف شان عمل نمی‌کنند. کمک به رژیم صهیونیستی از طرف کشورهای اسلامی، خیانت است؛ خیانت به امت اسلامی است. خیانت به خودشان هم هست؛ به خاطر اینکه دارند با این کار دستگاه‌های رو به ضعف صهیونیستی را تقویت می‌کنند و این تقویت به ضرر خودشان هم تمام خواهد شد.»

«صهیونیست‌ها وقتی وارد کشوری بشوند این جور نیست که به نفع آن کشور کار بکنند؛ وقتی نفوذ کردند، مثل پشه خون آن کشور را به نفع خودشان می‌کنند. کمک به رژیم صهیونیستی، کمک به نابودی خودشان است؛ امت اسلامی هم که به جای خود محفوظ. باید این را متوقف کنند. این پیشنهاد قبلی ما بوده، الان هم پیشنهاد حتمی ما است: دولت‌های اسلامی رابطه شان را، رابطه‌ی اقتصادی را، رابطه‌ی سیاسی را با رژیم صهیونیستی قطع کنند؛ لااقل به طور موقت! تا وقتی که این جنایت را این‌ها دارند انجام می‌دهند رابطه‌ها قطع باشد، کمکی نشود، ارتباطی وجود نداشته باشد. این توقع از دولت‌های اسلامی است؛ فقط هم توقع ما نیست؛ توقع ملت‌های مسلمان است.»

«اگر الان در کشورهای اسلامی همه‌پرسی کنند، بدون تردید همه نظر می‌دهند به اینکه دولت‌هایشان بایستی با رژیم صهیونیستی قطع رابطه کنند؛ در این تردیدی نیست. امیدواریم ان شاء الله خدای متعال همه‌ی ما را ییادار کند.»
"والسّلام علیکم ورحمة الله وبرکاته"

"بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ"
«حقیقتاً مسئله‌ی غزه، امروز یک مسئله‌ی مهمی است؛ رأس مسائل دنیای اسلام است. همه باید واقعاً در این زمینه احساس مسئولیت کنیم. دل ملت‌ها همراه است، حتی غیر مسلمان‌ها. شما می‌بینید دیگر این راهپیمایی‌ها و تظاهراتی را که در دنیا به نفع فلسطینی‌ها و مردم غزه و مظلومان این منطقه اتفاق می‌افتد، این راهپیمایی‌ها هم، بی سابقه است؛ در هیچ کدام از قضایای مختلف این چنین چیزی ما سراغ نداریم.»
«اینکه در آفریقا، در آسیا، در اروپا، در خود کشور آمریکا مردم ببینند در خیابان‌ها به نفع مردم فلسطین شعار بدهند، در طول این ده‌ها سالی که غصب فلسطین اتفاق افتاده بی سابقه است. پس پیدا است یک کار جدیدی دارد انجام می‌گیرد؛ یک تحول جدیدی در عالم اسلام دارد به وقوع می‌پیوندد؛ یک حادثه‌ای دارد اتفاق می‌افتد؛ باید به این توجه کنیم.»
«اینکه مسئله‌ی فلسطین بشود مسئله‌ی اول، در کجا؟ در لندن، در پاریس، در کشورهای اروپایی، در واشینگتن، چیز کوچکی نیست. تسلطی که صهیونیست‌ها در طول این سال‌ها بر دستگاه‌های رسانه‌ای دنیا داشتند، چیزی نیست که اجازه بدهد به نفع فلسطین و علیه آن‌ها صدایی پخش بشود؛ امروز این صدا در همه‌ی دنیا دارد پخش می‌شود. پول هم خرج می‌کنند، فریاد هم می‌زنند، دفاع هم می‌کنند، اما مردم دنیا علیه این‌ها هستند، مخالف صهیونیست‌ها هستند. این‌ها مسائل مهمی است؛ باید با چشم عبرت به این‌ها نگاه کرد. یک حادثه‌ای دارد اتفاق می‌افتد.»

